# تبیین اصل عدم تدخّل زمان و مکان در فهم معنای روایات

اصل در تفسیر و فهم معنای اخبار و روایات، استقلال آن‌ها از شرایط زمان و مکان است و قاعده در فضای ابلاغ احکام شرعی، مبرّا بودن از حواشی است مگر اینکه در اخبار و روایات، تنصیص به تدخّل شده باشد.

البته این منافاتی با فحص از احوال و اوضاع صدور روایت در مقام استفراغ وسع ندارد؛ چه ‌بسا در تفحص، نکاتی کشف شود.

این قاعده، مستفاد از قاعده «**الأحادیث الفقهیة جاریة مجری النصوص القانونیّة**» است.

باید توجه داشت ائمه (ع) واقف بر این موضوع بوده‌اند و احادیث و روایات آن‌ها، محدود به عصر صدور نبوده و در طول زمان‌ها جریان دارند؛ و در مقام بیان حدیث، یک دید کلی و مهندسی کلان دارند.

# ادلّه اثبات این اصل

1. شواهد و قرائن روایی مانند: «عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمُ‏ التَّفْرِيعُ»‏[[1]](#footnote-1)
2. ارتکازات ذهنی موجود در عهد حضور ائمه (ع)؛
3. فضای بیان روایت و احکام شرعی – فضای صدور-؛
4. دلیل عقلی کلامی، با این تقریر که معصوم (ع) در مقام بیان روایت، اعصار آتیه را نیز مد نظر داشته‌اند و اینکه معصوم (ع) به قرائنی در عصر حضور اعتماد کرده‌اند که به‌سادگی قابل محو شدن است با دیدگاه کلامی امامیّه سازگار نیست.

## نکته

منظور از اهمیت این اصول در مقام اجتهاد، اجتهاد متعارف متداول است نه اجتهاد مطلق.

# 25- اصل عدم تأثیر مفروضات مخاطبین در فهم معنی

اصل در فهم معنا این است که مفروضات مخاطبین در آن تأثیر نداشته و الفاظ روایات و اخبار مشتمل بر معانی ثابت و قابل‌ فهمی هستند که من غیر مداقّة أو معها، قابل‌دسترسی است.

## دیدگاه مقابل

هرمنوتیک[[2]](#footnote-2) نسبیت‌گرایان درصدد بیان این اصل است که اساساً الفاظ معانی ثابتی نداشته و یا نهایتاً داشته و قابل‌دسترسی نیستند که این نظریه در مقابل اصل «عدم تأثیر مفروضات مخاطبین در فهم معنی» قرار می‌گیرد.

# دو نظریه کلان در فهم متون (نسبیت‌گرایی و عینیت‌گرایی)

1. نسبیت‌گرایی[[3]](#footnote-3): نسبیت‌گرایی درصدد بیان این موضوع است که اساساً الفاظ، معانی ثابتی ندارند –سالبه به انتفاع موضوع- و یا دارند ولی قابل‌فهم و دسترسی نیستند. این نظریه نوعی سفسطه در فضای فهم متون است که اشکالاتی بر آن وارد است. ازجمله قائلین به این نظریه «هایدگر»[[4]](#footnote-4) است.
2. عینیت‌گرایی: عینیت‌گرایی در مقابل نسبیت‌گرایی، درصدد بیان این موضع است که الفاظ دارای مفاهیم بوده و این مفاهیم برای نوع بشر قابل‌دسترسی است. مبنای متفکرین اسلامی بر این نظریه است. ازجمله قائلین این نظریه «هرش»[[5]](#footnote-5) است.

# 26- تقسیم فقه و اجتهاد از لحاظ منابع

می‌توان فقه و اجتهاد را از لحاظ منابع آن، به قرآنی، روایی و عقلی تقسیم کرد.

واضح است در کشف حکم نمی‌توان فقط به یک منبع اکتفا کرد و اعتبار نهایی زمانی حاصل می‌شود که در تمام منابع فحص شود اگرچه نهایتاً منتهی به همان منبع واحد شود.

## نتیجه

گزاره‌های فقهیه و غیر فقهیه قرآنیه، روائیه و عقلیه بدون مراجعه به دیگری معتبر نیست، ولی ممکن است بعد از استفراغ وسع و فحص در منابع، با تمسک به منبع واحد فتوا داده شود.

## نکته (فقه عقلیّة ماقبل الشریعة)

در یک نگاه کلان فقه به دو قسم نقلی و عقلی منقسم است و مراد از فقه عقلی، «فقه ماقبل الشریعة» است.

این نوع از فقه بخشی از کلام است و زمانی که هنوز نصّ شرعی نیست احکامی اثبات می‌شود، مانند وجوب معرفة الله که عقل، شخص را هدایت به سمت فحص می‌کند.

## احکام مثبتة عقلیّة

1. گزاره‌های پایه که شخص را ملزم به فحص و تحقیق می‌کند؛ مانند وجوب معرفة باری.
2. احکام ناظر به اقدام بعد از حکم شرعی، مانند وجود متابعت.
3. احکام عقلیّة مستقله مشمول قاعده ملازمه، مانند قاعده قبح ظلم.

# 27- نسبت بین فقه خاصه (امامیه و عامه)

در این مقدمه بحث از رابطه بین متون و فقه شیعه با متون و فقه عامه است.

اساساً در این مقدمه دو سؤال مطرح است:

1. اخبار و روایات خاصه و عامه چه نسبتی با هم دارند؟
2. فقه خاصه با فقه عامه چه نسبتی دارد؟

## آراء و انظار

1. آراء فقهیه خاصه، متفرّع بر فقه عامه است.
2. آراء فقهیه خاصه، مستقل از فقه عامه است، لکن در مواردی مانند تقیّه، مرتبط است.
3. دیدگاه منصفانه، بین‌بین است نه متفرع بودن و نه مستقل بودن جریان حدیثی و فقهی خاصه از عامه.

از طرفی جریان حدیثی شیعه مستقل و استوارتر از جریان حدیثی عامه است و از طرفی در تقابل بین مذهبی گفتگوهایی ایراد شده است که در مقام اجتهاد تام نباید نادیده گرفته شود.

## قول الثواب

قول نزدیک به‌حق همان میانه‌روی در نسبت بین جریان حدیثی و فقهی خاصه و عامه است.

1. **- وسائل الشيعة / ج‏27 / 62 / 6، باب عدم جواز القضاء و الحكم بالرأي و الاجتهاد ...، ص: 35.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- هرمنوتیک (Hermeneutics) یا علم تأویل.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- Relativism** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- مارتین هایدِگِر (Martin Heidegger) ‏ (۱۹۷۶-۱۸۸۹)** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- اریک دونالد هرش (Eric Donald Hirsch) صاحب کتاب اعتبار در تأویل (Validity in Interpretation) از منتقدان آرای گادامر است.** [↑](#footnote-ref-5)